



در موسسه گفت و گوی ادیانبه مناسبت هفته جهانی گفت و گوی ادیان تصریح شد

محبت را جایگزین خشونت کنیم



در کنار خدایان نیک و سازنده به خدایانی ویران کننده و آسیب رسان نیز باور داشتند که دیوها نامیده می شدند و می گفتند برای خنثی کردن خشم و ستم خدایان پنداری زیان آور که موجب خشم در طبیعت، بویژه بروز زلزله، آتش فشان و خشکسالی، آفت ها و بیماری ها می شدند باید قربانی کرد و مراسمی ویژه داشت تا در نهایت خدایان ویران گر راضی شوند و دست از خشونت بردارند. همراه با روحانیان پنداریاب، فرمانروایانی ستمگر نیز حضور داشتند به نام "گاوی" ها که این نظریه و پندار را تأیید می کردند و با خشونت و فشار، مردم را به پیروی از راهکارهای نادرست کربها سفارش و مجبور می کردند.

وی در ادامه افزود: اما زرتشت این شیوه را برای مردم ساده اندیش ایرانی ناروا دانست و در پی پاسخگویی به هر دو گروه آسیب رسان و مبارزه با آنان برآمد. از آنجا که اشوزرتشت سخنان و اندیشه تازه ای برای برخی از پدیده های طبیعی ارائه می کرد، از یک سو برای مردم آن زمان، نا آشنا و باور نکردنی بود و از سوی دیگر برای کریان و کاویان ناخوشایند بود، زیرا بازار آنان را کساد می کرد. به هر روی، پیامبر به مدت ده سال به طبیعت روی آورد و تلاش کرد پرسش ها و رازهای زندگی و پدیده هستی را در خلوت با خدای خویش دریابد.

او برای نخستین بار دریافت که هستی را آفریننده ای هست و اوست که هنجاری درست را بر جان جهان حاکم کرده است؛ پیامبر این هنجار را اشا نامید، یعنی سامان درست و راست که نه تنها کره زمین و موجودات روی آن خواسته یا ناخواسته از آن پیروی می کنند، بلکه بزرگترین کهکشان ها نیز باید از این هنجار پیروی کنند تا بر هستی خود پایدار بمانند و کوچک ترین ذره ها نیز برای پویایی و پایداری خود باید در راستای قانون اشا یا یکدیگر کنش و واکنش داشته باشند تا هستی در نیستی پدیدار شود.

نیکنام گفت: پیامبر راستی، بر پایه هنجار اشا برای انسان نیز در زندگی جهانی هدفی ارزشمند و وظیفه ای مقدس یادآوری می کند، در بینش اشوزرتشت هر فرد تنها به یکی از دو شکل رفتاری می تواند از اندیشه خویش بهره بگیرد تا در جمع آفریدگان هستی، هویت خود را در جایگاه انسان هوشمند نمایان کند یا با آسیب و خشونت به دیگران با خرد بیگانه باشد.

وی سپس به طرح این سؤال پرداخت که چگونه باید در برابر خشونت ایستادگی کرد و از جانب دین به خشونت پاسخ داد و افزود: واژه دین نخستین بار در اوستا آمده است، اصل آن دانه است، به معنی وجدان آگاه و بیدار، یعنی نیروی تشخیص خوب از بد که بی گمان پاسخ این

موسسه گفت و گوی ادیان به مناسبت هفته گفت و گوی ادیان میزگردی با عنوان "پاسخ دین به خشونت" با حضور نمایندگان از اقلیت های دینی ایران برگزار کرد و در آن نمایندگان ادیان یهودی، مسیحی، زرتشتی و مسلمان یک صدا تأکید کردند باید محبت را جایگزین خشونت کنیم.

مؤسسه "خانواده جهانی برای صلح و دوستی" در حمایت از "روز صلح" (۲۱ سپتامبر) که توسط سازمان ملل تعیین شده، ۱۱ تا ۱۷ سپتامبر (۲۰۲۰-۲۶ شهریور) هر سال را هفته گفت و گوی ادیان نامیده است.

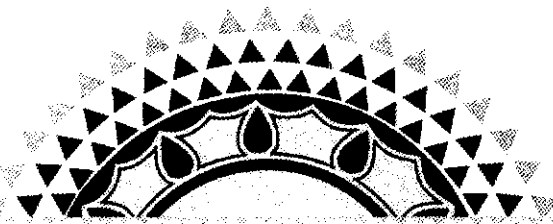
در این هفته نمایندگان پیروان ادیان مختلف در سراسر دنیا گرد هم جمع می شوند و بر ارزش های مشترک، مانند: بخشش، عشق، حقوق، صلح، برادری، و آزادی صحه می گذارند؛ با اعمال مذهبی روزانه یکدیگر که بخشی از مذهب سنتی آنهاست، آشنا می شوند؛ آیین رفتار جهانی را برمی رهند و پاسخ مذهبی در خوری به خشونت می دهند و صلح را ترویج می کنند.

مؤسسه گفت و گوی ادیان به همین مناسبت "نشست هفته جهانی گفت و گوی ادیان" را با موضوع "پاسخ دین به خشونت" (تغییر خشونت به صلح) برگزار کرد.

در این نشست، کورش نیکنام، نماینده زرتشتیان، بت کلیا، نماینده آشوریان و موریس معتمد، نماینده کلیمیان در مجلس شورای اسلامی و نیز سید محمدعلی ابطحی، رئیس مؤسسه گفت و گوی ادیان، هر کدام از نگاه آموزه های دینی خود، به طرح مسئله "خشونت" پرداختند.

سید محمدعلی ابطحی، رئیس مؤسسه گفت و گوی ادیان با اشاره به خشونت هایی که در دنیای امروز توسط زورمداران بر انسان ها اعمال می شود، گفت: امروز خشونت یک بحث جدی جهانی است که متأسفانه مثل سرطانی پیکره جامعه جهانی را فرا گرفته و باعث تأسف بیشتر از اصل وجود خشونت، ارتباط آن با ادیان است که فرصتی برای ما ایجاد کرده است که در هفته جهانی گفت و گوی ادیان موضوع پاسخ دین به خشونت را مطرح کنیم.

سپس کورش نیکنام، نماینده زرتشتیان در مجلس شورای اسلامی به ارائه دیدگاه های دین زرتشت درباره خشونت پرداخت و گفت: دین زرتشت که هزاران سال پیش از سوی اشوزرتشت، پیام آور یکتاپرستی این سرزمین بنیان گذاشته شد، در زمانی گسترش یافت که پنداریابی، بیاد، ستم و خشونت در بین مردم بسیار رواج داشت. در آن زمان روحانیانی به نام "کرب" صاحب اندیشه اجتماعی شده بودند و مردم ساده اندیش و ناآگاه را به پنداریابی دعوت می کردند و سفارش می کردند



می‌توان گفت هنگامی که از خداوند رحمان و رحیم نام می‌بریم، این خداوند هیچ گونه سختی با خشونت نداشته و ندارد، زیرا در جای جای انجیل به کلمه محبت برمی‌خوریم.

وی سپس با اشاره به ایمان مسیحی گفت: در ایمان، به مسیحیان تاکید بسیاری بر مهر و آشتی و صلح شده؛ همان اصول مشترکی که در همه ادیان به چشم می‌خورد.

وی بر اساس این تقسیم‌بندی، اصل صلح و آشتی در مسیحیت را از چهار منظر صلح با خدا، صلح با خود، صلح با دیگران و صلح در جهان مورد بررسی قرار داد و گفت: از نگاه ما، مهم‌ترین معضل بشر این است که به خدای مهربان پشت کرده، خدا از طریق کلام مقدس خود و انبیاء و خصوصاً به وسیله عیسی مسیح، محبت خود را نسبت به انسان گناهکار آشکار کرده و او را دعوت می‌کند تا از موضع خصومت و خشونت، به در آشتی درآید و او را همچون پدري پر مهر و محبت بپذیرد و تحت برکات آسمانی‌اش زیست کند، اما دوست داشتن خدا به تنهایی کافی نیست؛ محبت و دوست داشتن زمانی تکمیل می‌شود که مخلوقات خداوند برادر، همسایه و همه انسان‌ها را هم دوست داشته باشیم. اما این اصل تکمیل نمی‌شود، مگر اینکه دشمنان خود را هم دوست داشته باشیم و به آنان محبت کنیم.

نماینده آشوریان در مجلس گفت: انسانی که خدا و آفریننده خود را شناخت، خود را هم می‌شناسد. این دو اصل خداشناسی و خودشناسی، لازم و ملزوم یکدیگرند.

انسان بی خدا و بی دین و بی ایمان، موجودی بی قرار و سرگشته است؛ هدفی مثبت و متعالی در زندگی ندارد؛ درونش متلاطم است و آینده‌اش را اغلب تاریک می‌بیند؛ و خلاصه آنکه با خود و با همه درگیر است و مشکل دارد.

وی صلح با دیگران را یکی دیگر از ارکان اعتقاد مسیحیت دانست و گفت: دین هرگز به روابط ایمانی شخص با خدای خود منحصر نمی‌شود، بلکه یقیناً می‌خواهد تأثیری بر جامعه نیز بگذارد. در مسیحیت همه چیز از ایمان شخصی و فردی آغاز می‌شود، اما در عین حال، اگر این ایمان در عمل و نسبت به سایرین به ظهور نرسد و ثابت نشود، مرده به حساب می‌آید.

یونان بت کلیا گفت: همه این مراحل در نهایت باید به گسترش صلح در جهان بیانجامد. هدف غایی و نهایی همه ادیان این است که بشر با شناخت و معرفتی که از خدا و خالق خود می‌یابد، متحول شود و درد خود و درد خدای خود را درمان کند. ما مومنان وظیفه داریم عامل ترویج افکار و عقاید صلح‌آمیز در جهان باشیم.

وی سردمداران کفر و بی‌ایمانی و زورگویان سلطه‌طلب را عامل جنگ‌افروزی و ایجاد درگیری خواند و گفت: آنها می‌خواهند منافع خود را تأمین و حضور تجاوزگرایانه خود را توجیه کنند، اما متأسفانه گاه از سران دینی هم در حمایت از خود سوء استفاده می‌کنند تا به اقدامات ناصواب خود مشروعیت بخشند. اما بزرگان و رهبران دینی ما باید به خود آیند و در این برهه تاریخی، نگذارند دین صلح‌طلب و الهی‌شان وسیله‌ای جهت تأیید امیال شیطانی ابرقدرتان شود. پاپ فقید ژان پل دوم، سمبلی از چنین رهبری بود که همواره بشریت را به صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز و حل مناقشات توسط مذاکره دعوت می‌کرد و همین، از او چهره‌ای ماندگار در تاریخ به جا گذاشت. حضرت پاتریارک ماردنخای چهارم، رهبر مذهبی آشوریان جهان نیز همواره در فرمایشات

نیروی درونی به خشونت، یعنی ایستادگی و دوری کردن از مردم‌آزاری و بیدادگری و این امر نیز باید از روی تدبیر و هوشمندانه باشد.

نماینده زرتشتیان در مجلس شورای اسلامی گفت: در بینش اشوزرتشت سخنان باید قاطع و اثربخش باشد تا توانایی و پیروزی را در برابر آزار و خشونت دروغکاران ایجاد کند.

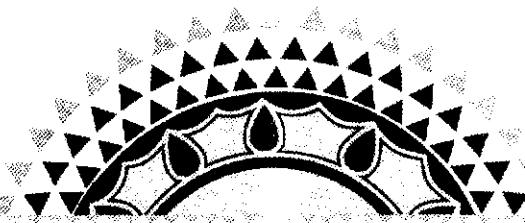
نیکنام اشوزرتشت را پیامبری خواند که آرزومند پایان جنگ و خونریزی در بین انسانهاست و گفت: او به آرامش، آشتی و آبادی می‌اندیشد و در این بینش برای نابودی خشونت و آسیب بدخواهان دست یاری به سوی خداوند برافراشته دارد.

وی یکی از افتخارهای اندیشه ایران‌زمین را این نکته دانست که هیچ گاه جنگ و خونریزی برای گسترش دین یا کشورگشایی صورت نگرفته، بلکه هرگاه دشمن و دروغکاری بر این سرزمین تاخته است، در برابر خشونت ایستادگی شده و تاکید کرد: در بینش زرتشت، نخست از راه کلام و سخنان منطقی و با پارسیایی دروغکار را باید به راستی دعوت کرد و چنان چه هیچ کدام موثر نشد، با هر گونه ابزاری که کارساز است، باید از گسترش دروغ و خشونت و بیداد جلوگیری کرد و از بذل جان نیز دریغ نکرد. و درست به همین دلیل زرتشتیان و پیروان آیین راستی در نیایش‌های خود به دوستی و مهر اشاره دارند و در نماز روزانه خود از اوستا و در سرود مزدیسنا، ایمان و اقرار به پیروی از آیین راستی اشوزرتشت را دارند.

در ادامه این نشست یونان بت کلیا، نماینده آشوری‌ها در مجلس شورای اسلامی نقش دین در ایجاد صلح جهانی را از دیدگاه مسیحیت مورد بررسی قرار داد.

بت کلیا گفت: در دنیای پر آشوبی زندگی می‌کنیم که همواره شعله جنگ و خشونت در گوشه‌ای از جهان به اصطلاح متمدن ما، شعله‌ور بوده و خون بیگانگان بسیار نیز، اغلب بی هیچ ثمری، به زمین ریخته شده است.

وی سپس گفت: تاریخ سراسر ظلم و خشونت بشری، چهره انسان را تاریک و زشت کرده و در این میان، دین نیز که منادی همه نیکویی‌هاست، گاه متأسفانه ابزاری در دست بشر گناهکار و نفس‌پرست شده تا در جهت امیال پست و شربانه او به کار رود. انسان شرور و شیطانی، هر آنچه خواسته کرده و از بی‌حرمت کردن نام و اعتبار خدا و پیامبران هم ابایی نداشته است. روزی به جهت تقویت منافع اقتصادی خود، جنگ بین ادیان راه انداخته، و روز دیگر، برای تقویت حکومت چند روزه دنیوی خویش مردم آزاده را با تفتیش عقاید و داغ و درفش به صلابه کشیده است. امروز هم که مدعی برخورد تمدن‌هاست و به بهانه چند حرکت خشن مشکوک به هر جا لشکر می‌کشد تا با تجاوز و به بند کشیدن، حافظ آزادی و مردم‌سالاری باشد و چه بسا که در این میان، نام از دین هم می‌آورد و از سوی بعضی از رهبران دینی مغرض یا ناآگاه، حمایت هم می‌شود. رئیس دفتر آسیایی اتحادیه جهانی آشوریان با طرح این سؤال که پاسخ دین به خشونت چیست؟ گفت: در تمام ادیان به صورت مطلق به این پاسخ می‌زیسیم که در مقابل خشونت بایستی صبر و بردباری پیشه کرد و هیچ گاه خشونت را با خشونت نباید پاسخ داد. در مسیحیت که باور و اعتقاد این جانب است، چنین جملات و آیاتی را در کتاب مقدس می‌یابیم که پاسخ مستقیم و مبسوط به خشونت و شر است، چون همان طور که در تاریخ بشریت مرسوم و متداول شده مسیح را نماد صلح و دوستی و محبت نسبت به بشریت می‌دانند. به طور کلی



درخواست می‌کنیم: "ای خداوند رضایت و مشیتت بر این تعلق گیرد که صلح و صفا را در میان ملازمان بارگاه خودت در آسمان و زمین برقرار نمایی" و به امید آمدن روزی هستیم که یسعیای نبی، از بشارت‌دهندگان صلح واقعی به ما بشارت داده که در آن روز، یعنی روز ظهور ماشیح، مسیح و مهدی، صلح جاویدان در سراسر جهان حکمفرما خواهد شد تا جایی که گرگ و بره و پلنگ و بزغاله در کنار هم زندگی خواهند کرد.

در پایان این نشست سیدمحمدعلی ابطحی، رئیس موسسه گفت‌وگوی ادیان ضمن بیان این که امروز دین‌ایزاری برای اعمال خشونت شده است، گفت:

آغازکننده استفاده از دین برای شروع خشونت نمی‌تواند پایان‌دهنده آن باشد.

ابطحی ضمن اذعان به اینکه در تمام ادیان، مطالبی هست که از آن مخالفت با خشونت برداشت می‌شود، گفت: اما در دنیای فعلی نیز با واقعیاتی خلاف آن روبه‌رو هستیم و خشونت در جهان فعلی از آفات جدی است.

در جهان معاصر ما، خشونت گاهی به شکل تروریسم و گاهی به شکل مقابله با تروریسم ظهور می‌کند.

امروزه با وجود اندیشه‌های سیال در دنیا، یک موج خشونت‌آمیز چون می‌تواند فراگیرتر باشد، می‌تواند خطرناک‌تر نیز باشد.

امروزه ادیان، متهم به ترویج خشونت شده‌اند. در مقابل این اتهام، متدینان حق رفع اتهام از دین را دارند.

ما می‌توانیم از منابع و متون دینی استناداتی بیاوریم که خشونت ربطی به ادیان ندارد و ادیان با خشونت مخالفند، اما مشکل این است که این استنادات معمولاً در همان متون دارای معارض است. حداقل این جای بحث است که در همین کتاب‌های مقدس پاره‌هایی معارض با این استنادات هست یا خیر.

این نکته خیلی اهمیت دارد و آن اینکه الان بحث گفت‌وگوی ادیان مطرح است، اما فرصت گفت‌وگو تا یک زمانی باقی است و اگر زمان تمام شود ممکن است به این نتیجه برسیم که نمی‌شود گفت‌وگو کرد.

ابطحی در ادامه گفت: آغازکننده از ابزار دینی برای شروع خشونت نمی‌تواند پایان دهنده به آن باشد، چون موجی از احساسات ایجاد می‌کند که نمی‌تواند آن را کنترل کند. پیدایش سازمان‌هایی نظیر القاعده نشان دهنده این است که نمی‌توان دیگر اینها را کنترل کرد و این آفتی است که همه کشورهای مذهبی را مشمول خود می‌کند.

چه در داخل کشور و چه در خارج کشور نمونه‌هایی هست که این نکته در آنها نمایان است. در نتیجه این خشونت‌ها، این فرض پیش می‌آید که دین مولد خشونت است.

ادیان باید این مسئله را مدنظر داشته باشند. اگر این فرض غالب شود، دیگر آیات و استناداتی که ما از متن دینی مان درباره مخالفت با خشونت می‌آوریم، صدای بلندی نخواهد داشت.

ابطحی در پایان گفت: می‌خواهم به جای استناد به متون مقدس از یک مبنای فلسفی سخن بگویم، آن مبنا این است که انسان‌ها بندگان یک خدای واحدند و این خدا آنها را نیافریده که یکدیگر را بکشند. آن خدا این تقسیم‌ها را نیافریده است.

بنابراین سخن من این است که آنچه در کابل، نیویورک و لندن امروز پیش می‌آید نتیجه‌اش این خواهد بود که دین یعنی خشونت، و ما باید با این فرض مقابله کنیم.

خود بر دوستی و محبت و همکاری بین همه تأکید دارند و ما پیروان خود را به داشتن روحیه‌ای آرام و متواضع و فعال در امور خیر ترغیب می‌فرمایند، تا وحدت‌مان حفظ شود.

وی در پایان گفت: فلسفه و پاسخ دین از دیدگاه مسیح محبت است و با محبت می‌توان به خشونت، پاسخ «دین» را داد.

سومین سخنران این نشست موریس معتمد، نماینده کلیمیان در مجلس شورای اسلامی ابراز امیدواری کرد با برگزاری چنین گرهمایی‌هایی که خود وسیله‌ای در جهت نزدیکی و تفاهم هر چه بیشتر ادیان و بویژه انتخاب سوژه صلح و رد خشونت، آن هم در چنین ایامی که متأسفانه شاهد اوج‌گیری خشونت و تندروی در جای جای نقاط جهان هستیم، بتواند در تخفیف خشونت‌ها موثر باشد و مهر و محبت و صفا و صلح را جایگزین خشونت و قهر و جنگ و جدال کند.

معتمد با ذکر نقل قولی از کتاب گمارا، یکی از کتاب‌های دینی اخلاقی و فرهنگی مقدس یهودیت که درباره صلح نظرات مبسوطی دارد، گفت: "خداوند متبارک ظرفی مناسب‌تر از شالوم پیدا نکرد که برکت و خوبی را در آن جای دهد" و شالوم در زبان عبری به معنی صلح، سلام و دوستی است.

وی افزود: در بخش چهارم از فصل زندگی اجتماعی کتاب تلمود، صلح و عدالت جایگاه ویژه‌ای دارد تا جایی که آمده است: "جهان بر سه پایه استوار و پایدار است: راستی و درستی، داوری عادلانه و صلح و دوستی". در کتاب تهیلیم یا مزامیر حضرت داود علیه‌السلام نیز که یکی از شناخته شده‌ترین کتاب‌های عرفانی جهان است، آمده: "توجه کن و راه ساده‌دلان را برگزین، نگاه کن و از رفتار راستان بیاموز، زیرا ثابت شده که انسان صلح‌طلب فرجامش به خیر است، اما بدکاران با هم نابود خواهند شد. کسی که به خداوند پناه ببرد، خدا او را از خشم و ظلم ستمگران نجات خواهد داد".

نماینده کلیمیان در مجلس گفت: در زمان حضرت موسی خداوند تصمیم گرفتند تا شماری از افراد گناهکار و خاطی را نابود نمایند؛ افرادی که بارها نسبت به حضرت موسی گستاخی و اهانت روا داشته بودند، ولی حضرت موسی به سبب رحمت و شفقت ذاتی خود نزد خداوند طلب بخشایش و عفو نمودند که به دلیل مرتبت والای ایشان این درخواست پذیرفته شد. ما نیز باید از خدایمان بیاموزیم که مانند او رحمان و رحیم و بخشنده و نیکی‌کننده و صلح‌جو باشیم.

وی سپس با ذکر مثال‌هایی از منابع مقدس دین یهودیت، از جمله کتاب ذکریای نبی، پیرقه آووت، تورات مقدس، امثال سلیمان و نیز نقل قول‌هایی از بزرگان یهود مانند ربی ختینا، ارمیای نبی و... تأکید کرد که در تمام متون مقدس دین یهود بر صلح تأکید شده و پیامبران و بزرگان دین یهود بر آن صحنه گذاشته‌اند تا جایی که انبیای یهود، تمامی آیات، معجزات، بشارت‌ها، فرامین، پیام‌ها، وعظها و نصایح‌شان به یک کلمه می‌رسد و آن کلمه شالوم، به معنی صلح است و افزود: همان طور که به لحاظ معنوی شبیه خداوند هستیم و همان گونه که خالق ما دارای صفات صلح‌طلبی، روشنی، مهر و محبت، نیکی، عدالت و پاکی و هزاران صفات دیگر است، ما آدمیان هم باید خود را به آن صفات متصف کنیم، یعنی باید صلح‌طلب، مهربان، نیکی‌کننده و عادل و پاک باشیم.

موریس معتمد در پایان گفت: توجه به این فرمان خود می‌تواند بهترین راهکار در راستای جایگزینی خشونت با صلح و دوستی و محبت باشد. ما یهودیان در نمازهای سه‌گانه روزانه (شحریت، مینحا و عرویت) بارها



پڑھنا، سمجھنا، اور سیکھنا
پیشہ گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی

International Islamic University of Malaysia

